

## سخنرانی معاون نخست وزیر و وزیر همگرایی گرجستان

آقای تموری یاکوباشویلی معاون نخست وزیر و وزیر همگرایی گرجستان که به دعوت دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه به تهران آمده بود، در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ با عنوان گرجستان پس از جنگ تابستان ۲۰۰۸ سخنرانی نمود. مهم‌ترین مطالب مطرح‌شده توسط آقای یاکوباشویلی به شرح زیر است:

گرجستان ارجاع شد زیرا امکان مذاکره وزارت همگرایی با وزارت خارجه روسیه وجود نداشت.

درخصوص آنچه که در ماه اوت اتفاق افتاد دو نظر غالب وجود دارد، برخی آن را تهاجم روسیه علیه دولت گرجستان می‌دانند و گروه دیگر رهبران گرجستان را عامل تحریک روس‌ها می‌دانند. در این منازعه، روسیه استفاده زیادی از نیرو و توان نظامی خود نمود و آنها از طریق دریا و هوا و با استفاده از موشک و بکارگیری جنگ الکترونیک و تبلیغات رسانه‌ای وارد عمل شدند و در حقیقت تنها از سلاح اتمی و زیردریایی استفاده نکردند. چنین واکنشی از سوی روسیه در آن شرایط، بدون برنامه‌ریزی قبلی امکان‌پذیر نبود. بر اساس محاسبات ما، ۸۰ هزار نفر نیروی نظامی و هزار تانک و هواپیمای روسیه در این

ماهیت منازعه اخیر میان گرجستان و روسیه یک مسأله جدایی طلبی بوده و مشکلی بین‌المللی به حساب می‌آید. باید در منطقه و میان کشورها و ملت‌ها همگرایی ایجاد شده و به تمامیت ارضی کشورها احترام گذاشته شود. روسیه از جدایی طلبی آبخازیا و اوستیای جنوبی حمایت نمود. سعی و تلاش ما بر این است که برای همه روشن نماییم، این جریان یک مناقشه داخلی نبوده و موضوعی بین‌المللی است، زیرا اگر این منازعه داخلی باشد، باید از یک سری ابزار خاص برای حل آن استفاده شود و اگر مسأله‌ای بین‌المللی و خارجی باشد، باید از ابزارهای دیگری استفاده شود. بر این اساس، در ابتدای امر این بحث از طریق وزارت همگرایی گرجستان پیگیری می‌شد، ولی بعداً با توجه به ماهیت آن به وزارت امور خارجه

عملیات شرکت داشتند که این امر نشان دهنده برنامه‌ریزی قبلی است.

در رابطه با چگونگی این رخداد گمانه‌زنی‌های بسیاری وجود دارد. آیا شروع جنگ به منازعات شخصی میان پوتین و ساکاشویلی مربوط بوده است؟ پوتین همواره در روسیه دارای نقش اول بوده و هم اکنون نیز نمی‌توانیم نقش وی را در تصمیمات روسیه نادیده بگیریم. در منازعه اخیر برخی استفاده آقای ساکاشویلی از کلمات غیرمعمول علیه پوتین را موجب شروع جنگ دانسته‌اند. در این میان مسأله اقتصادی بسیار حائز اهمیت بود. روس‌ها می‌خواستند گرجستان را تسخیر نموده و سپس کنترل خود را به آسیای مرکزی و قفقاز تسری بخشند. در مقابل غرب و آمریکا، روس‌ها مایل به بازگشت به اقتدار زمان شوروی و خواهان مقابله با ناتو هستند.

فهرست احتمالات بسیاری برای شروع این منازعه وجود داشته است که به نظر می‌رسد این جریان ترکیبی از تمامی مسائل عنوان شده باشد. البته بازگشت روسیه به قدرت از همه مهمتر است، روسیه خواهان آن است که دوباره روی پای خود بایستد، غرور ملی خود را ارضا نموده و به غرب نشان دهد که هنوز دارای قدرت است.

ایده روسیه مبنی بر ایجاد معماری جدید امنیتی اروپا هنوز پابرجا است و توافقنامه هلسینکی و دیگر اسناد اروپایی را به چالش می‌کشانند. این در حالی است که آنها مدعی هستند، نباید یک قدرت وجود داشته باشد. این سیاست کاملاً ناقص بوده و هیچ کس به طور جدی در خصوص معماری امنیت جدید اروپا صحبت نمی‌کند. کشورهای اروپایی، چین و آمریکا صراحتاً اعلام کرده‌اند که استقلال مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی را به رسمیت نمی‌شناسند و حتی متحدان نزدیک روسیه همچون نیکاراگوئه به دلیل مخالفت پارلمان آن کشور، با

استقلال این مناطق مخالفت نموده‌اند. به نظر می‌رسد روسیه خواهان تبدیل شدن به مرکز اقتصاد منطقه است. اگر نگاهی به گذشته و حال آن کشور داشته باشیم، می‌بینیم که در ماه‌های ژوئن و ژوئیه ۲۰۰۸ بازارهای روسیه بسیار پر رونق بود و یک دلار معادل ۲۳ روبل معامله می‌شد. روسیه از رشد سریع اقتصادی برخوردار بود و ذخایر ارزی آن بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شد. اما اکنون بازارهای روسیه ۸۰٪ سیر نزولی داشته و ارزش یک دلار معادل ۳۶ روبل است. ذخایر پولی کشور نیز کاهش یافته است.

در جنگ اخیر این واقعیت مشخص شد که نیروی نظامی روسیه فرسوده و غیر حرفه‌ای است و اعتبار آن کشور حتی در میان متحدانش کاهش یافته است. شناسایی استقلال مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی با توجه به شرایط جدایی‌طلبی در داخل فدراسیون روسیه بر اساس اذعان خود روس‌ها اقدامی اشتباه بوده است. روسیه از لحاظ اقتصادی با مشکلات بسیاری روبرو است و این سؤال مطرح می‌شود که آیا این کشور می‌تواند مانند سال ۱۹۹۸ این مشکلات را حل کند؟ در سال ۱۹۹۸ با توجه به برخی ظرفیت‌های به جای مانده از زمان شوروی، روسیه توانست مشکلات را پشت سر بگذارد اما اکنون ظرفیت تولیدی روسیه فرسوده و قدیمی شده و این کشور به جای سرمایه‌گذاری در زمینه زیرساخت‌ها، بهداشت و آموزش، تمام درآمدها را صرف مسایل خارج از کشور می‌نماید.

اوستیای جنوبی ۱۵ هزار و آبخازیا ۱۶۰ هزار نفر جمعیت دارند که در میان آنها ارمنی‌ها بیشترین جمعیت را دارند و پس از آنها گرجی‌ها و آبخازی‌ها قرار دارند. در اوستیای جنوبی ۴ هزار نفر نیروی روس مستقر هستند. چطور ممکن است که منطقه‌ای با ۱۵ هزار نفر جمعیت به

یک کشور تبدیل شود؟ در این مناطق برخی گرجی نبوده ولی به گرجستان متعهد هستند. دولت گرجستان برای آنها محل سکونت و دیگر تمهیدات لازم را در نظر گرفت، حدود ۳۵ هزار نفر آنها را در مدت ۱۵ روز تغییر مکان داده و برای آنان منزل مسکونی فراهم کرد. اکنون با مساعدت جامعه بین‌الملل وضعیت گرجستان بهتر شده و اگر دوباره حمله نظامی از سوی روسیه صورت نگیرد، گرجستان می‌تواند جزو کشورهای باشد که با موفقیت بحران را پشت سر گذاشته است.

اقتصاد گرجستان نسبت به کشورهای اروپائی کمتر دچار فساد مالی و اقتصادی است و می‌تواند کشوری جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی باشد. با وجود مشکلات مالی ناشی از جنگ اخیر، پیش بینی شده است که گرجستان از پیشرفت اقتصادی برخوردار باشد. چالش‌ها همیشه وجود دارند که می‌توانند منشأ داخلی و خارجی داشته باشند. گرجستان مصمم به اصلاحات اقتصادی است و خواهان اجرای طرح تحول اقتصادی است. گرجستان کشوری است مستقل که اولویت خود را تأمین رفاه مردم قرار داده است. برخی معتقدند که انقلاب در گرجستان توسط آمریکایی‌ها صورت گرفت که البته این ادعا منطقی نیست، زیرا خود آمریکایی‌ها با آن انقلاب مخالف بودند. آقای یاکوباشویلی پس از سخنرانی به سؤالات حاضران پاسخ داد.

سؤال: در رابطه با این مناقشه گرجستان و روسیه، آقای وزیر روسیه را ناکام خواندند، در حالی که اگر از منظر روس‌ها به قضیه نگاه کنیم، خواهیم دید که روس‌ها عملاً انضمام آن منطقه به خاک خود را هدف نمی‌دانستند بلکه حفظ جان شهروندان دارای تابعیت روس را هدف خود اعلام کردند و از سوی دیگر جلوگیری از گسترش ناتو به گرجستان را مد نظر داشتند. بنابراین ملاحظه می‌کنید که

روس‌ها به اهداف خود دست یافته‌اند. نکته دیگر حضور ناتو و افسران آمریکایی و اسرائیلی در گرجستان بود که روس‌ها اعتقاد داشتند این مسأله با طراحی قبلی با کمک اسرائیل صورت گرفته است تا در صورت پیوستن گرجستان به ناتو، گرجستان اوستیای جنوبی را به کشور خود منضم نماید. ضمناً خبرهایی مبنی بر حضور گسترده اسرائیلی‌ها در گرجستان وجود دارد که این مسأله امری عادی تلقی نمی‌شود و حتی شایعاتی مبنی بر حمله اسرائیل از این منطقه به ایران در ازای الحاق گرجستان به ناتو مطرح گردید.

پاسخ: هنوز جنگ تبلیغاتی روسیه وجود دارد. من به شما اطمینان می‌دهم که یک پایگاه اسرائیلی در گرجستان وجود ندارد و حتی در خصوص مناطق اوستیا و آبخازیا ما با روس‌ها توافقنامه امضا کردیم که پایگاه نظامی طرفین در این مناطق وجود نداشته باشد. روس‌ها در ابتدای جنگ مدعی بودند که گرجی‌ها دو هزار نفر از مردم اوستیا را کشته‌اند، پس از مدتی براساس تحقیقات دادستان روسیه مشخص شد که در کل جنگ ۱۴۷ نفر اوستیایی کشته شدند که این نشان‌دهنده اختلاف بسیار است. در حال حاضر ۳۰۰ هزار روس در انگلستان، نیم میلیون روس در اسرائیل و ۲۰۰ هزار روس در آمریکا زندگی می‌کنند. چرا روس‌ها از حقوق آنها دفاع نمی‌کنند؟ بحث دفاع از شهروندان روس یک اقدام تبلیغی است و آنها فقط می‌خواهند به جامعه بین‌الملل جوابی داده باشند. ما ساز و کارهایی داریم که ثابت می‌کند اقدامات روسیه و حملات نظامی حتی برای دفاع از حقوق شهروندی، با قوانین بین‌المللی مغایرت دارد. روس‌ها در این جنگ اعلام کردند که ۶۰ نفر سرباز روس و ۴ فروند هواپیما را از دست داده‌اند، این در حالی است که ۲۳۰۰ نظامی روس در این جنگ کشته شده و ۱۷ فروند هواپیمای روسی

سرنگون شدند. در رسانه‌های روسی طوری تبلیغ می‌کردند که آنها جنگ را فرماندهی می‌کنند و اعلام داشتند که گرجی‌ها سه دره را با استفاده از موشک‌های گراد بمباران کردند، این در حالی است که گرجی‌ها اصلاً از این نوع موشک‌ها استفاده نکرده‌اند. روس‌ها تصاویری مبنی بر شلیک موشک‌های گراد در شب نشان دادند و می‌گفتند که از سوی گرجی‌ها شلیک می‌شود که در پاسخ باید گفت از کجا معلوم است این موشک‌ها متعلق به گرجستان باشد؟ این موشک‌ها می‌توانند از هر نقطه‌ای شلیک شده باشند و حتی روس‌ها اعلام داشتند که آمریکایی‌ها در این جنگ مشارکت داشتند.

آیا روس‌ها واقعاً به اهداف خود رسیده‌اند و آیا از گسترش ناتو جلوگیری شده است؟ هم‌اکنون شورایی بین گرجستان و ناتو ایجاد شده و گرجستان متعهد شده است که به ناتو بپیوندد. حضور آمریکایی‌ها صرفاً برای آموزش نیروهای گرجی است که قصد اعزام به عراق را دارند. نیروهای گرجی در عملیات گشت‌زنی و کنترل مرزهای عراق شرکت دارند. همچنین بسیاری از پزشکان گرجی نیز در عراق حضور داشتند. در خصوص همکاری با اسرائیل لازم است بگویم که چرا روس‌ها خود با اسرائیل قرارداد نظامی دارند و می‌خواهند از اسرائیل اسلحه خریداری نمایند؟ در خصوص اخبار رسانه‌ها مبنی بر استقرار پایگاه‌های نظامی اسرائیل در خاک گرجستان باید بدانیم که گرجستان مایل نیست پایگاه‌های نظامی علیه همسایگان در خاک کشورش وجود داشته باشد.

سؤال: تفاوت اروپا و آمریکا در مناقشه گرجستان و میزان حمایت آنها از این کشور چگونه بوده است؟

پاسخ: من در تمام ملاقات‌ها و مصاحبه‌ها پس از جنگ حضور داشتم و اختلاف‌نظرهایی نیز وجود داشت. البته گرجستان امیدوار بود، اروپائی‌ها واکنش بیشتری

نسبت به این قضیه نشان دهند. اقدامات روسیه علیه آمریکا نبوده و نمی‌باشد بلکه اقداماتش به نوعی علیه اروپا است و می‌خواهد در مقابل اروپائی‌ها قد علم کند. روسیه با تصمیمات یکجانبه می‌خواهد از طریق نظامی مرزهای کشورها را تعیین کند. در اروپا دو دیدگاه اروپای قدیم و اروپای جدید وجود دارد. برخی اروپائی‌ها همچون لهستان هنوز تهاجمات روسیه را در خاطر دارند و برخی دیگر مایل هستند که آن را به فراموشی بسپارند. اتحادیه اروپا یک کشور نیست بلکه ترکیبی از کشورهای اروپایی است که رسیدن به اجماع در آن بسیار مشکل است. پیامدهای جنگ برای اروپائی‌ها قابل پیش‌بینی نبود و اکنون حضور ناظران اروپایی در منطقه بسیار دلگرم‌کننده است. در میان نهادهایی مانند اتحادیه اروپا و سازمان ملل، روسیه با توجه به داشتن حق وتو در سازمان ملل بسیار تاثیرگذار است ولی در اتحادیه اروپا روسیه نمی‌تواند تاثیرگذار باشد. اکنون یکی از موانع جدید برای روسیه، حضور ناظران اروپایی در منطقه است. هرچند که اعتقاد چندانی به حضور نیروی نظامی اتحادیه اروپا وجود ندارد اما قابلیت انجام بسیاری از امور از طریق آن اتحادیه وجود دارد و اکنون سیاست اتحادیه، به رسمیت نشناختن آبخازیا و اوستیای جنوبی است.

سؤال: با توجه به عدم حمایت متحدان اروپایی و آمریکایی از گرجستان آیا بحران اخیر براساس تفاهم و هماهنگی‌های بین‌المللی میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایجاد شده است؟

پاسخ: درخصوص انتخاب گرجستان برای روس‌ها، باید بدانیم از آنجا که کشورهایی مثل اوکراین، ارمنستان، آذربایجان و کشورهای آسیای مرکزی از نظر نظامی برای روس‌ها خطرآفرین هستند، گزینه گرجستان مورد توجه روس‌ها قرار گرفت و البته تحریکات و زمینه‌هایی چون

تجزیه طلبی در این منطقه وجود داشت. در یک جنگ نظامی، پیروزی کافی نیست و پس از آن باید سندی امضا شود و طرف شکست خورده متعهد به انجام برخی تعهدات بشود اما در این جنگ چنین اتفاقی رخ نداد و روس‌ها نتوانستند مدرک و سندی برای تحمیل برخی تعهدات به گرجستان به امضا برسانند. نتیجه مهم این است که این جنگ برنده‌ای نداشت و نه روس‌ها و نه گرجی‌ها و نه اوستیایی‌ها را نمی‌توان برنده جنگ اعلام کرد و این بدین معنی است که این مناقشه هنوز پایان پذیرفته است. به‌رغم هزینه گزاف، این جنگ، هیچ فایده‌ای برای روس‌ها نداشت.

سؤال: باتوجه به موقعیت ژئوپلیتیک گرجستان آیا تغییری در سیاست خارجی این کشور رخ خواهد داد؟ پاسخ: برای بهره‌مندی کشورهای منطقه از منابع و ثروت‌های آن منطقه و نیز ایجاد ثبات هر یک از کشورها پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روش‌های مختلفی را می‌توان در نظر گرفت. اولین روش این است که خود کشورهای منطقه بخواهند از وضعیت موجود بهره‌برداری نمایند که در این وضعیت با توجه به قدرت سلطه‌محوری روسیه در منطقه، مسکو سهم بیشتری خواهد داشت. حالت دوم استفاده از نیروی خارجی در منطقه است که اگر در این مورد میان کشورهای منطقه اجماع صورت نگیرد و یا اینکه نیروی خارجی در موقع لزوم مساعدت ننماید، مشکل ایجاد خواهد شد. حالت سوم این است که با توجه به قدرت کشورهایی مثل ایران در منطقه، یک ائتلاف در منطقه شکل می‌گرفت و از طریق این ائتلاف به جای منازعه با روسیه حقوق گرجستان تأمین می‌گردید.

آقای یاکوباشویلی در پایان مواردی را یادآور شد: ضروری به نظر می‌رسد که امنیت به نحوی و توسط

کسی تولید شود و آیا کشورهای منطقه قادر به ایجاد آن هستند؟ متأسفانه این امکان با توجه به اینکه در قفقاز جنوبی دو کشور با هم نزاع می‌کنند، میسر نیست. مشکل روسیه به نوعی شبیه مشکل قدرت نرم است. گرجستان بحث‌های بسیاری با روسیه در خصوص اینکه چرا گرجستان در جهت منافع روسیه باشد، داشته است و در واقع آنها نوعی حکمرانی را به ما پیشنهاد می‌کنند که این موضوع برای ما مفید نیست. با توجه به تعدد فرهنگ و قومیت‌ها در مناطق آبخازیا و اوستیا باید همگرایی برپایه دموکراسی در این منطقه ایجاد شود و تقسیم قدرت با قومیت دیگر برای اداره کشور امری صحیح است.

اکنون سرمایه‌گذاران بزرگی از آمریکا، اروپا، قزاقستان، امارات متحده عربی، ترکیه و حتی روسیه در گرجستان حضور دارند و اگر گرجستان بخواهد این سرمایه‌ها را جذب کند حتماً نباید از روسیه کمک بخواهد. روس‌ها جنگ را آغاز کردند و حتی قبل از آغاز جنگ کالاهای گرجی را تحریم کرده و گرجستان را از لحاظ ارتباطات هوایی، پستی، کالا و روادید تحریم نمودند.

اگر جمهوری اسلامی ایران با گرجستان ترتیبات امنیتی داشته باشد و بتواند از تمامیت ارضی آن کشور حمایت نماید، از همکاری با ایران استقبال خواهد شد.

درخصوص روابط آمریکا و روسیه می‌توان به این نکته اشاره کرد که کمک یک میلیارد دلاری آمریکا توسط جو بایدن دمکرات و نه شخص بوش ارائه شد و این نشان دهنده اهمیت گرجستان برای آمریکاست. منافع آمریکا ۳ حوزه دموکراسی، انرژی و امنیت را در برمی‌گیرد. آمریکائی‌ها و به خصوص دموکرات‌ها می‌خواهند دموکراسی را در جهان ارتقا بخشند و یکی از مصادیق دموکراسی در گرجستان در بحث انرژی است که

براساس نظرسنجی‌ها، آقای ساکاشویلی هنوز در صدر قرار دارد. در گرجستان احزاب و نهادهای مختلفی می‌توانند فعالیت کنند و این شرایط از نشانه‌های پیشرفت دموکراسی است. گرجستان کشوری دموکراتیک است و ایده‌های مختلف می‌توانند در آن کشور وجود داشته باشند.

*ستاره ملک‌آسا - امیر رضانی*  
*مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*  
*دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی*

گرجستان می‌تواند مسیر عبور انرژی در منطقه باشد و حتی می‌تواند انرژی ایران را به اروپا منتقل نماید. ناتو تنها سازمانی است که امنیت را تأمین کرده و در منطقه و نیز در اروپای غربی و شرقی مؤثر بوده است. یکسری اصلاحات در کشورها به خاطر ناتو انجام شده است. ناتو سازمانی علیه ایران نیست.

اولویت سیاست خارجی گرجستان تغییری نکرده است و گرجستان حق انتخاب زیادی ندارد. در سیاست خارجی گرجستان مسأله الحاق کشور به نهادهای اروپایی و نیز ضرورت برقراری روابط دوستانه با کشورهای همسایه از جمله روسیه از اولویت برخوردار است. لازم‌ه همکاری روسیه با گرجستان، ایجاد تغییر و تحول در سیاست روسیه است.